

Chapter 1

فصل اول

Introduction:

**A brief History, Characteristics
and Elements of the Short Story**

**تاریخچه‌ای کوتاه، خصوصیات و
عناصر داستان کوتاه**

2021/5/6 19:07

Words and Expressions

| | |
|--------------------------------------|--|
| Anecdote /'æni:kdeut/n | A short or amusing story about a real incident or person. حکایت، امثال، گزارش مختصر یا داستانی درباره‌ی شخصی یا حادثه‌ای |
| Parable /pærəbl/n and adj. | Short simple story which teaches a moral lesson. امثال، حکایت کوتاه و ساده مربوط به تمثیل و مثل که نکته‌ای اخلاقی در بردارد. فقط چهل امثال مسیح در انجیل ثبت شده است. |
| Emerge /Imɜ:dʒ/v. | Come out ; (of facts) become known ; beginning to develop پدیدار شدن، بیرون آوردن |
| Sketch /sketʃ/n. | Simple quickly made drawing; short description; short humorous scene. پیش طرح، انگاره، خلاصه، پیش نویس؛ صحنه‌ای فکاهی و کوتاه |
| Sentiment /sentimənt/n & adj. | Tender feelings of pity, love, sadness, etc, or remembrance of the past ; thought or judgment caused by a feeling. احساس، عاطفه، تمایل؛ احساساتی، افکار یا پیش داوری حاصله از احساسات |
| Practitioner /præk'tɪʃənə/n. | Person who works in a profession, esp a doctor or a lawyer. شاغل، شاغل مقام طبابت یا وکالت؛ عامل به کار |
| plot /plɒt/n. | Set of connected events on which story is based. طرح داستان، موضوع اصلی |
| protagonist /prə'tæɡənɪst/n. | Main character of a story ; main supporter of a new idea. شخصیت اصلی، قهرمان داستان |
| Accumulate /ə'kjʊ:mjələɪt/v. | Make or become greater ; collect in to a mass. جمع کردن، اندوختن، روی هم انباشتن |
| Culminate /kʌlmə'neɪt/v. | Reach the last and highest point. به اوج رسیدن، به حداکثر ارتفاع رسیدن، به حد اعلی رسیدن |
| Antagonist /æn'tæɡənɪst/ n. | Rival ; enemy حریف، مبارز، رقیب، مخالف قهرمان داستان، ضد قهرمان |

Critic/'kritik /n.

1-person who gives judgment about art, music, etc.
2- person who expresses disapproval.
منتقد، نقاد، کارشناس

Distinctive/d'ɪstɪŋktɪv/adj.

Showing a difference
مشخص، متمایز، برجسته

Comply/kəm'plaɪ/v.

Agree to do something ; obey
موافقت کردن، اجابت کردن، برآوردن؛ اطاعت کردن

Prose/prəʊz/n[U]

Ordinary written language (not poetry)
نثر، سخن منثور

Squeal/skwi:l/n.

A long very high cry ; give secret information about one's criminal friends to the police.
جیغ بلند؛ جیغ کشیدن، قیل و قال، داد و دعوا، نزاع؛ فاش ساختن - راپورت دادن

Scripture/skriptʃə/also scriptures pl./- n[U]

The Bible I holy book(s) of the stated religion.
انجیل و تورات، کتاب مقدس؛ کتب آسمانی

Verse/vɜ:s/n.

Writing in the form of poetry, esp. with rhymes; single division of a poem.
شعر، نظم؛ یک مصراع موزون

Fable/'feɪbəl /n.

Short story that teaches a lesson.
افسانه، مثل (Matal)؛ حکایت، حکایت اخلاقی؛ با روایتی کوتاه به نثر یا نظم که دارای پیامی باشد.

Era/'ɪrə, 'erə/n.

Period of historical time, marked esp. by particular developments.
عصر، دوره، عهد

Didactic/daɪ'dæktɪk/ adj fml.

Indenting to teach
ادبی، آموزشی، تعلیمی، یاد دهنده

Sermon/sɜ:mən/n.

Talk given by a priest as part of a church servic
موعظه، خطابه، وعظ، اندرز

2021/5/6 19:08

Butler /'bʌtlə/ n.
Chief male servant.

ناظر، پیش خدمت، آبدار باشی

Constabulary /kəns'tæbjʊləri/ adj & n.

A civil- non para military (police) force consisting of police officers called constable.
نیروی پاسپانی، نیروی شهرداری، پاسگاه یک محل

Parody /'pærədi/n [C; V]

Copy of a writer's or musician's style; made to amuse.
نقیضه، استقبال شعری، نوشته یا شعری که تقلید از سبک دیگری باشد؛ تقلید تمسخرآمیز

Patriarchal /'peɪtri'ɑ:kəl/ adj.

Ruled only by men; of a patriarch (old man who is much respected)
پدر سالاری، پدر شاهی

Villain /vɪlən/n.

(esp. in stories) bad person ; criminal.

آدم پست و شرور، تبهکار؛ شریر، بد ذات

Abbeys /'æbi/n.

House of religious men or women ; monastery or convent.
دیر، صومعه، خانقاه، کلیسا

Denouement /deɪ'naʊmənt/n.

The final outcome of the main dramatic complication in a literary work.

گرد گشایی، نتیجه گیری، نتیجه نمایش، پایان نمایش

Diminish /dɪ'mɪnɪʃ/v.

Make or become smaller.

کم شدن، تقلیل یافتن، نقصان یافتن

Seminal /sɪ'mɪnəl/adj.

Influencing future development in a new way.

تأثیر گذار؛ بنوی - نقطه‌ای؛ اصلی

Ibid/Ibid

Afore, mentioned in the same place (used when citing a reference)

در همانجا، همانجا، همان؛ ایضاً تکرار می شود، از همان منبع

Reservoir /'rɛzəvwaɪr/n & v.

Large supply still unused; artificial lake for storing water.

مخزن، ذخیره؛ منبع آب

Vantage /'væntɪdʒ/n.

Supremacy, being highest in degree.

برتری، مزیت، توفیق، بهتری

Reclusive /rɪ'klusɪv/ adj.

Someone who lives alone on purpose.

دور افتاده، تنها، منزوی؛ خلوت؛ دنج

Intimacy /ɪntɪməsi/n.

State of being intimate or having a close relationship; remark or action of a kind that happens only between people who know each other very well.

صمیمیت، خصوصیت، خودمانی، غرابت

Omniscient /əm'nɪsfənt/ adj.

Knowing everything; possessed of universal or complete knowledge; having infinite awareness or insight.

دانای کل، واقف به همه چیز

Delve /delv/vi.

Search deeply and laboriously; to make a careful or detailed search for information; to dig or labor with spade.

کاوش کردن؛ حفر کردن، سوراخ کردن

Transgress /trænz'grɜːs/ v.

Go beyond (a proper or legal limit); do wrong.

تجاوز کردن؛ تخطی کردن از، تخلف کردن، سرپیچی کردن از

2021/5/6 19:08

A brief History, Characteristics and Elements of the Short Story

تاریخچه‌ای کوتاه، خصوصیات و عناصر داستان کوتاه

Some critics believed that it might be difficult to define the short story.

برخی منتقدان براین باورند که تعریف داستان کوتاه کار دشواری است.

They were anxious about how long or short a short story could be, if the story materials of short stories were distinctive in any way, or if they tended to focus on particular kinds of characters and experiences.

آنها راجع به طول قطعی داستان کوتاه (بلندی یا کوتاهی آن) اندیشناک هستند و اینکه آیا موضوع داستان کوتاه باید به نوعی متمایز و مشخص باشد یا اینکه متمایل به تأکید بر دسته‌ای خاص از شخصیت‌ها و تجارب باشد.

Most short stories are clearly shorter than most novels; although Joseph Conrad's *Heart of Darkness* and Ian McEwan's *The Cement Garden* do not comply with this and are usually regarded as novelette.

بسیاری از داستانهای کوتاه به طور قطع از بیشتر رمان‌ها کوتاه‌ترند. گرچه داستان کوتاه "قلب تاریکی" اثر جوزف کنراد و باغچه سیمانی اثر ایوان مک‌ایوان از این اصل مطابقت نکرده و به عنوان رمان کوتاه در نظر گرفته می‌شوند.

In Short Stories the story material must be less complex and extensive than that of the novel; characters can not be developed as they can in novels.

در داستان کوتاه مفاد داستان نسبت به رمان باید از پیچیدگی و شاخ و برگ کمتری برخوردار بوده، شخصیت‌ها نیز نمی‌توانند نظیر شخصیت‌های رمان پرورنده شوند.

The history of short fictional prose narratives goes back to ancient times and to traditions of oral story telling.

تاریخچه روایی ادبیات داستانی منثور کوتاه به زمانهای قدیم و سنت متداول داستان سرایی شفاهی برمی‌گردد.

"The concept of stories," according to Lucke, "must have been invented as soon as human whoops and squeals turned into language".

طبق گفته‌ی لوک "زمانی که انسان فراگرفت به جای اصوات جیغ گونه و قیل و قال از زبان گفتار استفاده کند، داستان نیز ابداع شد."

There have been stories on papyrus since ancient times in Egypt; they have been compiled and become the Judeo-Christian Scriptures.

از زمانهای قدیم در مصر باستان، داستانهایی بر روی پاپیروس روایت شده‌اند. بسیاری از آنها که مورد تأیید بوده، اقتباس شده و بعدها در کتب مقدس مسیحیان و یهودیان انجیل و تورات نقل شده‌اند.

Homer's *Iliad* and *Odyssey* are the examples of Classical period written in rhythmic verse. Later on¹, *fables*, stories with moral lessons, came into being; *Aesop Fables* belongs to this era.

ایلیاد و اودیسه‌ی هومر نمونه‌ای از آثار منظوم دارای وزن و قافیه دوران کلاسیک هستند. کمی بعد مثل‌ها (حکایات، افسانه‌ها) یا به عرصه حضور گذاشتند. مثل‌ها آروب^۱ به این دوره تعلق دارند.

In medieval ages, many short narratives were written in verse, but they are still seen by scholars as part of the history of the short story.

در قرون وسطی بسیاری از روایات به نظم نوشته شده بودند، اما پژوهشگران همچنان آنها را بخشی از تاریخچه‌ی داستان کوتاه می‌دانند.

After the fall of Rome in the fifth century A.D., many classical tales were Christianized, but the *short didactic tales*, flourished in medieval times, were often transmitted orally and encouraged religious devotion.

پس از سقوط امپراطوری رم در قرن پنجم پس از میلاد، بسیاری از داستانهای کلاسیک گرایش به مسیحیت پیدا کردند، اما در همین دوره بود که داستانهای کوتاه آموزنده که معمولاً شفاهاً دهان به دهان گشته و اختصاص به تعالیم مذهبی داشتند، شکوفا گشتند.

In the thirteenth and fourteenth centuries, *exempla*, short narratives used to illustrate sermons, were popular and compiled into volumes.

در قرن‌های سیزده و چهارده، مثل‌ها، روایت‌های کوتاه که به اندرز و موعظه می‌پرداخت باب شده و به صورت چندین مجلد درآمدند.

Another ancient form of short stories was called *anecdotes*; they were popular in the Roman Empire era.

از انواع دیگر داستان کوتاه کهن می‌توان به حکایات (ضرب المثل‌ها) اشاره کرد که در دوره‌ی امپراطوری رم بسیار متداول بودند.

Critics regard anecdotes to be a part of *parables*, "a simple, fable - like story that points beyond itself, showing us a lesson" (Mickics, 222).

۱. (لاتین *fabula*: «گفتار، داستان») روایتی کوتاه به نثر یا نظم که دارای پیامی باشد. موجودات غیرانسان یا اشیای بی‌جان معمولاً شخصیت‌های آن هستند.

۲. مجموعه‌ای از حکایات اخلاقی که به آروب برده، داستان سرای یونان قدیم نسبت داده‌اند. به طور کل به مجموعه‌ای حکایات اخلاقی که معمولاً از زبان حیوانات روایت می‌شود برمی‌گردد.

But short fiction was undervalued and scarcely reflected on by its practitioners and readers for much of the nineteenth century. It was "the novel or the serial novel that was the preferred type of fictional text for the Victorian writer and publisher" (Korte, 74).

اما داستان کوتاه ارزش و جایگاه واقعی‌اش را نداشت و در قسمت اعظمی از قرن نوزدهم خوانندگان و عاملان امر کمتر راجع به آن فکر کرده و آن را جدی می‌گرفتند. در واقع «رمان یا سلسله داستانهای بلند نوع ارجح متون داستان‌روایی برای ناشران و نویسندگان عهد ویکتوریا به حساب می‌آمد.» (کورت، ۷۴)

According to Bernard Bergonzi *fin-de-siecle* (relating to the end of the 19th century, especially the art, culture and morals of the period) and pre-1914 (before World War I) are the periods which see "an explosion of production of and interest in short fiction, and a clear idea of the short story as a discrete kind of fictional text" (30-1).

بر طبق گفته‌ی برنارد برگنزی پایان قرن ۱۹ (به ویژه در رابطه با هنر، فرهنگ و اخلاقیات آن دوره) و سالهای ماقبل ۱۹۱۴ (قبل از جنگ جهانی اول) دوره‌هایی هستند که «شدت تألیف و علاقه‌مندی به داستان کوتاه در آن مشاهده می‌شود و طی آن نظر مشخصی راجع به داستان کوتاه به عنوان نوعی متن داستانی مجزا ارائه شده است.» (۳۰-۱)

World War II was one of the flourishing periods for the short story in Britain. Bergonzi notes the main varieties of short fiction during World War II: "accounts of army life, texts dealing with the violence of the bombing of British cities, and stories by women about their experiences during the war" (40-5).

جنگ جهانی دوم یکی از دوره‌های شکوفایی داستان کوتاه در انگلستان به شمار می‌رود. برگنزی عمده انواع داستان کوتاه در خلال جنگ جهانی دوم را این گونه برشمرده است «نقل زندگی ارتشی، متونی که به پرداخت خشونت حاصله از بمباران شهرهای بریتانیا پرداخته و داستانهایی راجع به تجربیات زنان در دوران جنگ» (۴۰-۵).

The Five Classic Parts

پنج بخش کلاسیک

Since classical times, writers have constructed stories using five basic parts.

از دوره‌های کلاسیک نویسندگان ساختار داستان را براساس پنج بخش اصلی بنا نهاده‌اند. The diagram below^۳ provides a draft of a plot. The thick line represents the course of a story, showing how it progresses from the beginning to the end.

3. This diagram is taken from: Lucke Margaret, *Schaum's Quick Guide to Writing Great Short Stories*. New York: McGraw Hill, 1999.

۳. این نمودار برگرفته شده است از: راهنمای سریع برای تألیف داستان‌های کوتاه عالی نوشته‌ی لوک مارگارت و شوام. نیویورک، مک گرا و هیل، ۱۹۹۹.

منتقدان حکایات را زیر شاخه‌ی امثال در نظر می‌گرفتند "داستانی ساده شبیه متل که نکته‌ای در آن نهفته تا به ما درسی اخلاقی نشان دهد". (مایکیکز، ۲۲۲)

The early European written stories in the 14th C. were Geoffrey Chaucer's *Canterbury Tales* and Giovanni Boccaccio's *Decameron*. These books include separate short stories related to each other.

از جمله داستانهای مکتوب اروپایی قرن چهاردهم می‌توان به "داستان‌های کانتربوری" اثر حفری چاسر^۱ و "دی کامرون" اثر جیوانی بوکاجیو^۲ اشاره کرد. این کتابها شامل داستانهای کوتاهی می‌شود که به هم مرتبطند.

The detailed account of the development of short narratives in the eighteenth and early nineteenth centuries has been done by Korte; she accounts for various periodicals as the basis for short fiction.

عوامل بسط و توسعه‌ی داستان کوتاه در قرن هجده و ابتدای قرن نوزده به تفصیل توسط کورت شرح داده شده؛ او انتشار گاهنامه‌ها و نشریه‌های گوناگون در این دوره را پایه و اساس داستان‌روایی کوتاه می‌گمارد.

In her work she points out to Daniel Defoe, Samuel Johnson, Joseph Addison, Oliver Goldsmith, Leigh Hunt, the Lambs, Mary Wollstonecraft, and a lot of lesser-known writers who produced short prose narratives in this period; furthermore, she accounts for various kinds of short narrative that have emerged in this era: "the character sketch, the short didactic anecdote, socially critical stories, stories of sentiment and education, the gothic tale, and tales of provincial life" (47-72).

او در کارش به دانیل دوفو، ساموئل جانسون، جوزف ادیسون، الیور گلداسمیت، لی‌هانت، دی لایمز، مری ولستون کرافت و بسیاری نویسندگان گمنام‌تر که اهتمام به نشر داستانهای کوتاه متنوع در این دوره کردند اشاره دارد. علاوه بر این، وی انواع مختلف داستان کوتاه را که در این دوره ظهور کرده‌اند برمی‌شمرد، من جمله «طرح شخصیت، ضرب‌المثل‌های کوتاه آموزنده، داستان‌های انتقادی اجتماعی، داستانهای عاطفی و آموزشی، داستانهای گوتیک و داستانهایی راجع به زندگی شهرستانی و محلی» (۷۲-۴۷)

"Early Victorian short fiction, written mostly by women, takes the form of social psychological texts, gothic and sensational fiction, crime stories, and stories of colonial adventure" (Korte 72-89; Greenfield xiii- xv).

داستانهای روایی کوتاه در ابتدا بیشتر توسط نویسندگان زن به شکل متون روان‌شناختی اجتماعی، داستانهای احساساتی و شورانگیز گوتیک، داستانهای جنایی و داستانهایی راجع به ماجراجویی‌های مستعمراتی نوشته می‌شدند (کورت ۸۹-۷۲؛ گرین فیلد xiii-xv).

1. Geoffrey Chaucer
2. Giovanni Boccaccio

2021/5/6 19:09